



#### نویسنده «با گرگ‌ها می‌رقصد» در گذشت

گروه ادب و هنر | مایکل بلیک خالق کتاب «با گرگ‌ها می‌رقصد» که خودش فیلمنامه اقتباسی آن را برای کوین کاستنر نوشته بود، در ۶۹ سالگی پس از مدت‌ها مبارزه با بیماری در دیروز در آریزونا درگذشت. مایکل بلیک در سال ۱۹۸۸ با نوشتن «با گرگ‌ها می‌رقصد» موفق شد بیش از ۳/۵ میلیون نسخه از این کتاب را به فروش برساند و این کتاب بافاصله به ۱۵ زبان ترجمه و در کشورهای مختلف منتشر شد. نسخه سینمایی این فیلم در سال ۱۹۹۰ موفق به کسب هشت اسکار شد که شامل بهترین فیلم نیز بود و جایزه اسکار به بلیک برای نوشتن فیلمنامه اقتباسی آن تعلق گرفت. او جایزه کلدن گلوب و اتحادیه فیلمنامه‌نویسان آمریکا را نیز برای این فیلمنامه دریافت کرد.

#### به آفتاب، سلامی دوباره

**کاوه فولادی‌نسب**  
داستان‌نویس

بیست‌وهشتمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران چهارشنبه این هفته کارش را شروع می‌کند. نمایشگاه کتاب تهران بیشتر از آنکه «نمایشگاه» کتاب باشد، «فروشگاه» بزرگی است که به ناشران ایرانی (که بسیاری‌شان مغازه کتاب‌فروشی ندارند) اجازه و امکان عرضه مستقیم آثارشان را می‌دهد. بد هم نیست؛ به هر حال برای انسان‌های شریفی که در یکی از فقیرترین کشورهای جهان از حیث سرانه مطالعه، سرمایه‌شان را به‌جای هر کار سودآورتر دیگری در فرهنگ سو آن هم در تولید کتاب-به گردش درآورده‌اند، مجالی است که بتوانند بی‌واسطه بخشی از این سرمایه را در مدت‌زمانی کم به‌دخل‌شان برگردانند. اما همان‌طور که بالاتر گفتم، این فقط «بد نیست» و معنایش این نیست که «خوب است». حقیقت امر این است که «نمایشگاه» قرار است جایی باشد برای مارکتینگ و بازاریابی؛ به‌خصوص که مثل نمایشگاه کتاب تهران، عنوان بین‌المللی را هم یک‌بکشد و ادعایش این باشد که کلی‌ناشر و کمپانی خارجی هم‌توی آن شرکت می‌کنند. کاش برگزار کنندگان نمایشگاه کتاب تهران، نمایشگاه‌های معتبر جهان (مثل نمایشگاه کتاب فرانکفورت یا لندن) را مورد مطالعه‌ای دقیق قرار دهند و تغییراتی در ساختارها و شیوه‌های برگزاری نمایشگاه کتاب تهران ایجاد کنند؛ تغییری که اگر هوشمندانه و بجاباشد، در بلندمدت هم به نفع ناشران ایران است، هم به نفع نویسندگان و مولفان ایران و هم به نفع فرهنگ ایران. اصولاً به نظر می‌رسد اگر قرار باشد در حوزه‌های مختلف مرتبط با کتاب -مثلاً ادبیات داستانی- اتفاقی بیفتد و پای نویسندگان ایرانی به هر عرصه‌های جهانی باز شود، یکی از بهترین و حساس‌ترین گلوگاه‌ها همین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران است. البته مسائل دیگری مثل ممیزی (که خرخره کتاب را می‌جود) و عضو نبودن در کنوانسیون برن (که کمی رایت را به رسمیت می‌شناسد) و... هم هست که پیشترها مفصل درباره‌شان نوشته‌ام و حالا دوباره گویی نمی‌کنم.

نقد‌هایی که به نمایشگاه کتاب تهران هست، بجاء، اما نمی‌شود هم منکر این واقعیت شد که «نمایشگاه کتاب تهران» در حقیقت «جشن کتاب ایران» است؛ این روزها محل برگزاری نمایشگاهی می‌شود قلب تپنده کتاب در ایران. هم‌میهنان‌مان از اقصی نقاط کشور به تهران می‌آیند تا در این جشن شرکت کنند. امیدوارم این جشن باشکوه برگزار نشود و تأثیری ماندگار بر فرهنگ و خاطره‌ای خوب برای اهالی فرهنگ بجای‌گذارد.

در اولین شماره «سلام کتاب» نوشته بودم: «نمایشگاه کتاب تهران بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور است. در این واقعیت تردیدی نیست، اما همه واقعیت هم این نیست. برای بسیاری از هم‌نسل‌های من نمایشگاه کتاب تهران پیش و بیش از آنکه رویدادی بزرگ باشد، رویدادی نوستالژیک است یا تبدیلی به رویدادی نوستالژیک شده است. این نمایشگاه در دوران نه‌چندان طولانی زندگی‌اش اتفاق‌های تلخ و شیرین زیادی را تجربه کرده است. سال‌هایی بود که نمایشگاه کتاب تهران در محل دائمی برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی برگزار می‌شد و ترافیک شمال پایتخت را بهم می‌ریخت و هنوز در آن خبری از نقشه‌های راهنمای سالن‌ها نبود و هنوز ماموران بهداشت به فکرشان نرسیده بود که روغن چندروز مانده سیب‌زمینی سرخ‌کرده برای سالن‌های بازدیدکنندگان مضر است و هنوز بی‌سلیقه‌ی مسئولان آن را از برادرش‌اش -جشنواره مطبوعات- جدا نکرده بود. حالا هم چند سالی است که در مصالای بزرگ تهران برگزار می‌شود و از در مصلی که وارد می‌شوی، زمین را می‌بینی که فرش شده از نقشه‌های راهنما و تبلیغات ناشران دانشگاهی و کنارت قلم‌به‌قلم غرفه‌های ساندویچ‌فروشی برپاست. در این بیست و چهار سال -یادست کم در سال‌های زیادی از این بیست و چهار سال- ما گام‌به‌گام همراهش بوده‌ایم. برایش نگران شده‌ایم، از حرف‌فان مسئول مبنی بر احتمال عدم برگزاری‌اش به هراس افتاده‌ایم و آخر کار هم همیشه دریافته‌ایم که کتاب و فرهنگ قدرتمندتر از هر حرف و اضطرابی است و راه خودش را هر چو که باشد پیدا می‌کند»

با نوشتن این یادداشت، ستون «سلام کتاب» چهارساله شد. امیدوارم آنچه در این سال‌ها در این ستون هفتگی نوشته‌ام، برای فرهنگ و ادبیات ایران مفید بوده باشد... و دیگر اینکه از دوستان و روزنامه‌فره‌یختگان بابت این مجالی که به‌من داده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم.

#### خرچین

**محمد حیدری دبیر جشنواره فیلم فجر شد**

## مهم‌ترین رویداد سینمایی در دست یک مدیر تئاتری

**کاوه سالاری** | بخش بین‌الملل سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر هم پایان یافت و علیرضا رضاداد که تاکنون در سال‌های مختلف شش بار دبیری این جشنواره را برعهده داشت جایش را به محمد حیدری دارد تا حیدری سسکانداز جشنواره سی‌و چهارم فیلم فجر باشد. علیرضا رضاداد که دو سال پشت سر هم در دوره حجت‌الله ایوبی جشنواره فجر را هدایت کرده بود نتوانست طیف‌های مختلف را راضی نگه دارد و جشنواره‌هایی که برگزار کرد با حاشیه روبه‌رو بود. به نظر می‌رسد حجت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی محمد حیدری را با ملاحظاتی انتخاب کرده و یک نیروی اجرایی برگزیده تا بتواند تسلط بیشتری بر کار جشنواره داشته باشد. حیدری در دوره حجت‌الله ایوبی از تاتر به سینما نقل مکان کرد. او که مدتی ریاست تئاتر شهر را برعهده داشت و دبیری بیست‌ونهمین دوره جشنواره تئاتر فجر را در کارنامه خود جا داده بود با حکم ایوبی مشاور عالی و نماینده رئیس



روی مدیریت آنها نظارت داشت. تجربه‌ای که حسین طاهری مدیر سابق اداره هنرهای نمایشی در انتخاب مرضیه برومند به‌عنوان دبیر جشنواره عروسکی داشت تکرار نشد. طاهری در جلسه‌ای گفت برومند را انتخاب کرده چون از خودش در زمینه عروسکی توانمندتر و باسابقه‌تر است و باید کارهای مدیریتی این چنینی را به آدم‌های اهل فن و بزرگ داد. در حالی که طاهری در میانه راه با برومند به مشکل

برخورد و باعث دگریری‌ها و استعفا و پادرمیانی علی مرادخانی معاون هنری وزارت ارشاد شد. طاهری هم در مجموعه مدیریتی‌اش جایش را به مهدی شفیعی داد. شفیعی هم پشتوانه قوی مدیریتی نداشت و تنها می‌توانست یکی از گزینه‌هایی باشد که پاسر و صدای کمتری و در حاشیه در خدمت وزارت و معاونت هنری باشد. شفیعی هم سعید اسدی را که سال‌ها ریاست تالار مولوی را برعهده داشت به دبیری جشنواره تئاتر فجر انتخاب کرد. با این‌همه این روزها محمد حیدری که زمانی تغییر فضای کاری‌اش از تئاتر به سینما حاشیه‌ساز شده بود و مجبور بود به سوالاتی از این دست که چرا از تئاتر به سینما رفته پاسخ دهد، این روزها دبیری سی‌و چهارمین جشنواره فیلم فجر را برعهده گرفته تا دوازدهمین نفری باشد که در این سال‌ها دبیری مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور را برعهده داشته است.

## #



جواد مجابی در این سال‌ها کارهای مختلف هنری انجام داده است و با او می‌توان درباره بسیاری مسائل هنری حرف زد اما یکی از وجوه هنری او شاعری اوست که از سال ۱۳۴۴ که نخستین کتاب شعرش را منتشر کرده تاکنون به گواه خودش ۱۶ دفتر شعر منتشر کرده و ۱۰ دفتر شعر هم دارد که هنوز منتشر نکرده است. نشر مروارید به تازگی گزیده‌شعاری از مجابی منتشر کرده که او در این کتاب از میان شعرهای تاکنون منتشر نشده کتاب‌هایش دست به انتخاب زده است. با جواد مجابی در آستانه برگزاری نمایشگاه کتاب درباره این گزیده‌شاعر و حال و هوای شاعری‌اش و کتاب‌های تازه‌ای که در نمایشگاه از او می‌خوانیم، گفت‌وگو کرده‌ایم.

##### +++

**در کتاب گزیده‌شعاری که نشر مروارید منتشر کرده جمله‌ای دارید که می‌گویید مدام علیه‌خویش شورش کرده‌اید. این مساله چطور ممکن است و به چه ابزاری نیاز دارد؟**

طغیان علیه خود به معنای این است که آدم خودشیفته نباشد که وقتی به جا و حدی رسید، متوقف بشود بلکه باید تردید کند که هیچ‌گاه جایی برای رسیدن وجود ندارد و همواره باید پیش برود. در این پیش‌رفتن هر قدمی که برمی‌دارید، قدم قبلی را رنقی می‌کنید. طبیعتاً گام‌های رو به جلو گام‌هایی که پشت‌سر گذاشته‌ایم را فراموش می‌کند. طغیان به این معناست؛ رشد مداوم رو به جلو بدون ایستادن در جایی که آدم در آنجا متجمد می‌شود.

**گزینش از میان کتاب‌هایی صورت گرفته‌که تاکنون چاپ نشده است. دلیل چاپ‌نشدن این کتاب‌های شعر که تعدادشان هم کم نیست چه بوده است؟**
۲۶ دفتر شعر دارم که از میان اینها نیمی چاپ‌شده و نیمی چاپ نشده است. چاپ نشدن این کتاب‌ها دلایل مختلفی داشته است. در یک دوره سانسور بوده است. در دوره‌ای دسترسی نداشتن به ناشر موثر بوده است و... یکی از کارهایی هم که کردم این بود که درحالی‌که شعر می‌گفتم ۲۵ سال کتاب شعر چاپ نکردم. کتاب‌ها را نگه داشتم و بارها روی آنها کار کردم و هر کتاب چندین بار بازسرای شده تا به جایی رسیدم که فکر کرده‌ام از آن بیشتر نمی‌شود کار کرد. هشت سالی هیچ کتابی از من چاپ نشد. آخرین کتابی هم که پیش از انقلاب از من منتشر شد «پرواز در مه» در سال ۱۳۵۶ بود. بعد از انقلاب به دلایل مختلف که بخشی مربوط به خود می‌شود و بخشی به ناشر و برخی هم ممیزی‌ها تا مدت‌ها کتاب شعری از من منتشر نشد. البته در این مدت رمان‌ها، داستان‌های کوتاه و تحقیق‌هایی منتشر شدند. اما شعرها را نگه داشتم چون برای شعر اهمیت زیادی قائلم و روی شعر بارها و بارها کار کرده‌ام. امیدوارم

مجموعه شعرهایی که در این سال‌ها نوشته‌ام را در سال آینده منتشر کنم.

**چقدر مساله تکنیک مهم است و اینکه آدم چقدر باید با تکنیک‌های شعری آشنایی داشته باشد؟**

فرم مساله بسیار مهم است؛ معانی و مضمون‌هایی که در طول تاریخ و در جهان گفته شده است. بنابراین چیزی که می‌ماند این است که ما چگونه آن حرف‌ها را به زبان و شیوه خودمان بگوییم. اما این تکنیک باید پرورده شود. استعداد و ذوقی که برای شعر گفتن باید وجود داشته باشد. مساله اساسی این است که آدم چگونه این

زبان‌ورزی را رشد دهد و آنقدر دایره واژگانش گسترده باشد و تاملاتش عمیق باشد که بتواند آنچه در ذهن دارد را به دیگران منتقل کند. اینجاست که تکنیک و فرم به کمک آدم می‌آید که رساتر، بهتر و دقیق‌تر تاملات خودش را به دیگران منتقل کند. یکبار برای شعر خود صفتی با نام سورئالیسم اجتماعی قائل شده بودم. یعنی در عین حالی که

هست و از واقعیت فرامی‌رود باید رنگ اجتماعی هم داشته باشد بنابراین چیزی بین ایستادن روی زمین و فراتر از زمین رفتن است. اجتماعی‌بودن روی زمین است و سورئالیسم هم پرواز کردن ذهن آدم فراتر از زمین است. سورئالیسم اجتماعی هدف اصلی من در شعر است تا بتوانم مصائب بشری و جهانی‌ای که اتفاق می‌افتد در شعرم منعکس کنم و اینها تبدیل به اثری خلاصه و شعری شود و از شعار، گزارش و حسب حال شخصی دور بشود. در این سال‌هایی که شعر می‌گفتم چیزی که برایم مهم بوده این است که شعر نوعی نجوای روح شده است.

یک نوع یادداشت‌های ذهن من شده که هر روز آنها را ثبت می‌کنم. از سویی حس می‌کنم باید شعر با زندگی آدم همسو باشد. باید شعر از زندگی من و از زندگی مردم من سخن بگوید. ترکیب این دو وظیفه دشواری است که شاعر باید آن را حس و عملی کند. سخن گفتن از خود به تنهایی کافی نیست. باید از خود و مردم بگویم. تا شاعر همسو و هم‌رئوست با مردم

#### شعر امر ساده‌ای نیست

ایران کشور شعر است و مهم‌ترین هنرش هم شعر است. شعر در زبان و فرهنگ ما، اولویت و محوریّت دارد. بنابراین شعر امر ساده‌ای نیست، شعر امر دشوار است. در عین‌حالی‌که حسب حال و شرح زندگی آدم است یک‌جوری داوری آدم نسبت به جهان پیرامون هم هست. بنابراین به نظر من شعر یکی از دشوارترین هنرهاست. تاریخ این کشور از شعر اشباع شده و حرف تازه‌ای در شعر زدن و روش تازه‌ای پیش‌آوردن دشوار است اما آدم باید حواسش جمع باشد که اندکی تازگی داشته باشد. بنابراین من نسبت به شعر وسواس دارم. در زمینه داستان و رمان هم این قاعده را دارم اما شعر چون هنر ملی‌است و فضای کشور ما اکثده از شعر است، سخن گفتن از شعر و شعر گفتن کار ساده‌ای نیست. صرف سخنوری و سخن‌ورزی و معلومات برای شعر گفتن کافی نیست. علاوه بر قریحه‌ای که آدم دارد لوازم زیادی لازم دارد تا شعر به یک جایی برسد که ارزش انتشار داشته باشد و ادامه کار بزرگانی باشد که در این کشور شعر گفته‌اند. من از سال ۴۴ که اولین مجموعه‌ام یعنی «فصلی برای تو» را منتشر کردم مرتب شعر گفته‌ام. اعتقاد دارم هر تجربه‌ای باید تجربه قبلی را نفی کند و به طرف جلو پرتاب بشود. پرتاب‌شدن به سمت ناشناخته یکی از انگیزه‌های من برای شعر گفتن است. شعر برای من یک کوشش درونی مداوم برای شناخت خود و شناخت جهان از طریق خود است.



«قصه‌ها» از چهارشنبه همین هفته از اینستاگرام‌های باران کوثری و پیمان معادی شروع شد که هر دو بازیگران این فیلم خبر از احتمال اکران آن دادند.

بالافاصله نیز محمدرضا فرجی، مدیرکل امور سینمایی سازمان سینمایی درخواست اکران این فیلم

گفت‌وگو با جواد مجابی درباره شعرهایی که منتشر نکرده است

## پرتاب‌شدن میان ناشناخته‌ها



عکاس: رضا حسینی | فرهیختگان | ۱۳۹۴

خودش نباشد، شعرش برای دیگران آنقدر مهم نخواهد بود.

**در مقدمه کتاب از شعری حرف می‌زنید که در خواب آن را رزمه می‌کنید و یک مصراع از آن را فراموش کرده‌اید و وقتی هم که بیدار می‌شوید در کتاب‌ها به دنبال آن می‌گردید تا در نهایت در سعدی آن را پیدا می‌کنید. در جهان امروز این تلاش را با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت می‌توان به نتیجه رساند. رابطه شما با جهان مجازی و اینترنت چگونه است؟**

من برای فضای مجازی احترام قائلم چون مقداری اطلاعات به آدم می‌دهد اما درگیرش نیستم. این فضا خوب است چون تا حدودی آزادی بیان به آدم می‌دهد و دموکراتیک‌است اما من زیاد از آن استفاده نمی‌کنم. برای من ساده بود که در اینترنت به دنبال این شعر باشم اما من بیشتر با کتاب انس دارم و ادبیات قدیم برای من به عنوان حافظه است که به آن مراجعه می‌کنم. برای نوشتن «تاریخ طنز ادبی ایران» در دوره ۱۰ ساله تمام متون مهم ادبی نظم و نثر را خواندم تا این تاریخ را بنویسم، بنابراین انس دائمی من با کتاب برای خودم عالی است.

**در نمایشگاه کتاب چه کتاب‌هایی از شما منتشر می‌شود؟**

یک کتاب که حتما منتشر می‌شود به اسم «شکل نوشتم هستم» که انتشارات آمه آن را منتشر می‌کند. یک رمان به نام «بنفشه‌های سرایش» که انتشارات به‌نگار آن را منتشر می‌کند. یک مجموعه شعر هم چشمه به نام «در این اتاق‌ها» منتشر می‌کند که تجربه تازه‌ای است که به اتاق به صورت تن آدمی توجه شده است. یک حجم ملموس دربرگیرنده انسان است. فکر می‌کنم چاپ دوم کلیات شعرهایم که انتشارات نگاه منتشر کرده بود هم به نمایشگاه برسد. قبل از عید هم «سرآمدان هنر نو» چاپ شد که راجع به نقاشان است. در آینده هم کتابی دارم که درباره تاریخ نقاشی مدرن ایران انجام داده‌ام که تاریخ تحلیلی از نقاشی مدرن ایران است و از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ را در بر می‌گیرد که در مراسم اختتامیه این جشنواره مورد انتقاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم قرار گرفت. علی جنتی در بخشی از سخنرانی خود در شامگاه ۱۲ اردیبهشت در این باره گفت: «در این دوره جای بسیاری از هنرمندان صاحب‌نام ایرانی، حتی به‌عنوان میهمان، خالی بود؛ همان‌گونه که جای خالی دانشجویان رشته هنر و هنرجویان سینمای جوان نیز احساس می‌شود.»

#### گزارش

را از سوی تهیه‌کننده آن در گروه سینماهای آزاد تأیید کرد. حال باید دید این بار آیا باز هم اکران این فیلم دچار حاشیه می‌شود و سازمان سینمایی در برابر اکران آن عقب‌نشینی خواهد کرد یا سرانجام یکی از فیلم‌های در محاق مانده‌ای که مجوز ساخت از دولت یازدهم دریافت کرده است، پروانه نمایش می‌گیرد؟ به تأخیر افتادن اکران فیلم‌های «خانه پدری» ساخته کیانوش عیاری و «خانه‌دختر» ساخته شهرام شاه‌حسینی از نمونه‌هایی هستند که سازمان سینمایی در برابر هجمه‌های ایجاد شده از اکران آنها صرف‌نظر کرد. «قصه‌های رخشان بنی‌اعتماد از جمله فیلم‌های قرار گرفته در فهرست ارائه‌شده از سوی برخی نمایندگان مجلس برای عدم اکران آنهاست.

## فرهیختگان

##### ادبیات



**خالق «کارآگاه وکسفورد» درگذشت**

گروه ادب و هنر | راث رندل رمان‌نویس انگلیسی که در ماه ژانویه به علت صدمه در اثر وارد شدن ضربه‌ای شدید راهی بیمارستان شده بود، روز شنبه (۱۲ اردیبهشت) در ۸۵سالگی درگذشت. خالق مجموعه کتاب‌های پرفروش «کارآگاه وکسفورد» در طول عمرش بیش از ۶۰رمان به نگارش درآورد. مجموعه رمان‌های «کارآگاه وکسفورد» او شهرت فراوانی دارند.

او اولین جلد این رمان‌ها را در سال ۱۹۶۴ منتشر کرد. رندل تریلرهای روان‌کاوانه‌خود را با نام مستعار «باربارا واین» به چاپ می‌رساند.

##### سینما



**صفی یزدانیان و هومن سیدی بالاخره از جشنواره فیلم فجر جایزه گرفتند**

گروه ادب و هنر | بخش بین‌الملل سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر روز شنبه با معرفی برندگان به کار خود پایان داد و جایزه ویژه هیات داوران برای «بدون مرز» به تهیه‌کنندگی مجتبی امینی از ایران تعلق گرفت. اتفاق مهم‌تر برای فیلم‌های ایرانی مربوط به جوایز بخش جلوه گاه شرق بود که سیمغ بلورین به همراه جایزه نقدی بهترین فیلمنامه به صفی یزدانیان براسی فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» تعلق گرفت. این فیلم که در جشنواره فیلم فجر سی‌وسومین منتقدان و اهالی سینما قرار گرفته بود، موفق به دریافت جایزه‌ای از داوران سی‌و سومین جشنواره فیلم فجر نشد و حالا این سیمغ در بخش بین‌الملل جشنواره سی‌وسوم اهمیت پیدا می‌کند. هومن سیدی نیز که در جشنواره سی‌و سوم فیلم فجر جایزه‌ای دریافت نکرده بود، در بخش بین‌الملل تندیس هنر و تجربه بهترین فیلم به همراه جایزه نقدی را برای فیلم «اعترافات حضور کمرنگ سینمای ایران در بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر در مراسم اختتامیه این جشنواره مورد انتقاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم قرار گرفت. علی جنتی در بخشی از سخنرانی خود در شامگاه ۱۲ اردیبهشت در این باره گفت: «در این دوره جای بسیاری از هنرمندان صاحب‌نام ایرانی، حتی به‌عنوان میهمان، خالی بود؛ همان‌گونه که جای خالی دانشجویان رشته هنر و هنرجویان سینمای جوان نیز احساس می‌شود.»

##### خط داغ

##### مستندارشیا

گروه ادب و هنر | ارشیا فطوری دانش آموز ۱۳ساله اصفهانی در نامه‌ای در خواست متفاوتی از رئیس جمهور دولت یازدهم داشت. این نامه در سفری که حسن روحانی در سه ماه گذشته به اصفهان داشت به دست تیم ریاست جمهوری رسیده است. تیم ریاست جمهوری بعد از خواندن نامه به سراغ ارشیا می‌رود و خواسته‌های او را اجابت می‌کند. حالا نامه ارشیا موضوع ساخته شدن یک مستند ۱۸ دقیقه‌ای توسط کارگردان مستندساز محسن خان‌جهانی شده است.